بارهنگ

اعضای شاخه‌ی گیاهان دارویی گروه طب اسلامی و طب سنّتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران[1*]

چکیده

بارهنگ گیاهی از تیره‌ی بارهنگ می‌باشد که در طب سنّتی با نام‌های گوناگونی نظیر لسان‌الحمل، بارتنگ و خرگوشک معرفی شده است. دو نوع از این گیاه تحت نام‌های کبیر و صغیر در کتب سنّتی ایران توضیح داده شده است. در این مقاله، سعی شده است تا نام‌های علمی این دو نوع بارهنگ با توجه به مشخصاتی که در منابع سنّتی برای آن‌ها ذکر شده بود، تعیین گردد و نام‌های فارسی مناسبی برای این دو گونه پیشنهاد شود. نتیجه این‌که، مشخصات دو نوع بارهنگ مطرح شده در طب سنّتی ایران به‌طور کامل با دو گونه‌ی *Plantago* مطابقت دارد، به‌طوری‌که نوع کبیر مترادف *P. major* و نوع صغیر مترادف *P. lanceolata* می‌باشد. نام‌های پیشنهادی برای این دو گونه عبارتند از: «بارهنگ کبیر» برای *P. major* و «بارهنگ سرنیزه‌ای» برای *P. lanceolata*.

واژگان کلیدی: طب سنّتی ایران، بارهنگ سرنیزه‌ای، تیره‌ی بارهنگ، بارهنگ کبیر

مقدمه

بارهنگ که در نوشتارهای مختلف به نام‌های بارتنگ، چرغون، خنک، خرگوشک و لسان الحمل نیز ذکر گردیده است، نامی است متداول که عموماً به انواع بارهنگ اطلاق می‌شده است.

در مورد انواع بارهنگ در ایران با مطابقت دادن مشخصات ذکر شده در منابع قدیم و جدید و نمونه‌های موجود از آن‌ها در بازار دارویی ایران و جهان که حاصل ماه‌ها تحقیق و بررسی می‌باشد، این نتیجه حاصل گشته است که نام‌های مختلف برای بارهنگ را می‌توان معادل جنس *Plantago* قرار داد که دارای گونه‌های مختلفی است و گونه‌های موجود از آن در ایران را می‌توان به شرح زیر معرفی و برای آن‌ها نام فارسی پیشنهاد نمود.

بارهنگ سرنیزه‌ای (*Plantago lanceolata* L.).

بارهنگ کبیر (*Plantago major* L.).

در متون معتبر جنس بارهنگ مرماخور نامیده شده و چنین آورده شده است: مرماخور[2] کبیر و صغیر هر دو گل زرد دارند و دانه‌ی آن‌ها مانند ترشک (حماض) تازه، پهن برگ و لطیف کرک است (۱). کبیر را برگ شبیه به زبان گوسفند و سبز و طولانی و اندک عریض و ساق آن به‌قدر ذرعی و پراکنده و مایل به‌طرف زمین و سرخ رنگ املس و از وسط نبات آن ساق‌های باریک بلند رسته بر سر آن و گل آن زرد رنگ و تخم آن مدور و ریزه‌ی سیاه رنگ مایل به بنفش و بیخ آن سست و مزغَّب[3] و تا به ستبری انگشت و صغیر را نیز به‌دستور، الا آن‌که برگ این از آن کوچک‌تر و سرخی ساق کم‌تر و تخم آن بزرگ‌تر و کبیر اقوی از صغیر و در منافع نیز از آن زیاده و از مطلق آن مراد صغیر است (۲).

کلید شناسایی گونه‌ها

۱- برگ‌ها به‌شکل بیضی یا تخم‌مرغی و یا دایره‌ای با قاعده‌ی قلبی، دارای ۳ تا ۷ رگه‌ی مشخص. سنبله‌ی باریک، استوانه‌ای و طویل، به‌طول ۵۰ تا ۷۰ سانتی‌متر. کپسول محتوی ٦ تا ۱۰ حتّی ۳۰ دانه‌ی سیاه رنگ *P. major* می‌باشد.

۲- برگ‌ها بیضی باریک و قاعده‌ی کشیده، دارای ۵ رگه‌ی مشخص، سنبله‌ی کوتاه یا تقریباً کروی حداکثر تا ۳ سانتی‌متر.

* افراد مسوول مکاتبات: mohaghegh@sums.ac.ir, amin@sina.tums.ac.ir

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

کپسول محتوی ۲ دانه‌ی قایقی شکل قهوه‌ای روشن *P. lanceolata* می‌باشد (۳).

سیری در منابع گذشته:

بارهنگ از زمان‌های بسیار دور شناخته شده است. گستره‌ی رویش بارهنگ سبب مصرف آن از آسیا تا اروپا شده است. بقراط و جالینوس به مصرف آن اشاره داشته‌اند (٤). قدما درباره‌ی آن می‌نویسند:

طبیعت آن در دوّم سرد و خشک است (۲،۵–۱). این گیاه قابض، رادع و مرکب از جوهر مایی و ارضی است. از جوهر مایی تبرید و از جوهر ارضی قبض می‌نماید و آشامیدن عصاره‌ی آن مقوی کبد گرم و طحال و گرده است (٦).

در بیماری‌های سر و سینه، آشامیدن عصاره‌ی آن مهار کننده‌ی صرع، خونریزی‌های ریوی، بینی و خونریزی در همه‌ی اعضای داخلی است. چکانیدن عصاره‌ی آن در گوش جهت تسکین درد آن، که از حرارت باشد کاربرد دارد. مکرر مضمضه نمودن آب جوشانده‌ی ریشه و یا جویدن آن جهت درد دندان، زخم‌ها و جوش‌های دهانی و تقویت لثه‌ی سست و خونریزی دهنده مؤثر است. چکانیدن و طلای آب برگ آن جهت درد چشم گرم مفید است (۸–۲).

در بیماری‌های گوارشی و اعضای دفعی، آشامیدن عصاره‌ی بارهنگ مسکن تشنگی و در رفع فساد هضم، استفراغ خونی، خونریزی داخلی، سوزش ادرار، خونریزی بواسیر و خونریزی بیش از حد قاعدگی مؤثر است (۹).

در بیماری‌های پوستی و ورم‌ها، ضماد و نیز ذرور[٤] آن، جهت پاک‌سازی چرک و خشک کردن و ترمیم زخم‌های سخت و مزمن، جراحات عمیق، سوختگی‌ها، بیماری نار فارسی[٥] و آکله[٦] مؤثر است. بارهنگ تحلیل برنده‌ی ورم‌های گرم، نَمله[٧]، شَری[٨]، باد سرخ، ورم‌های پشت گوش و خنازیر و نیز تخفیف دهنده‌ی بیماری داء الفیل است (۸،٦).

در منابع معتبر سنّتی، نام‌های متفاوتی برای بارهنگ ذکر گردیده که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

فارسی: بارهنگ (Bârhang)، بارتَنگ (Bârtang) (۱۰–۸)، چَرغون (Čarğün) (۱۰)، خرغوله (Xarğülę) (۱۰)، خِنک (xenk) (۱۰)، خَرگوشَک (Xargüšak) (۱۱).

عربی: لِسانُ الحَمَل (Lesân–al–hamal) (۱۰،٦،۲)، کَثیر الأضْلاع (Kasir–al–azala') (۱۰)، شَبْعاالِعین (Sab'–al–eyn) (به معنی هفت‌پهلو) (۱۱)، اُذُن الجُدَی(O zon–al–joday) (۱۱).

معرب از یونانی و رومی: اَرْتُقلُس (Artoğlos) (۱۱)، فلغورن (Falğüren) (۱۱).

سریانی: لَحا (Lahâ) (۱۱)، لِشان اِمْرا (Lešan emrâ) (۱۱)، لاحاخارجوش (Lâhâ khâr jüš) (۱۱).

بارهنگ کبیر

نام علمی: *Plantago major* L.

تیره: Plantaginaceae

نام انگلیسی: Plantain, Major Plantain

مشخصات گیاه‌شناسی:

گیاهی چند ساله، کوتاه یا متوسط تا بلند، به ارتفاع ۳۱–۱٤ سانتی‌متر و گاهی حتّی تا ۷۰ سانتی‌متر، بدون ساقه‌ی مشخص، بدون کرک یا دارای کرک‌های پراکنده و اندک. دارای ریزوم، برگ‌ها طوقه‌ای، خیزان یا افراشته و دم‌برگ‌دار. پهنک برگ بیضی یا تخم‌مرغی یا دایره‌ای، با حاشیه‌ی تقریباً صاف یا کمی کنگره‌ای–دندانه‌ای، فاقد کرک یا دارای کرک‌های اندک و پراکنده، به طول ۳۰–۵ سانتی‌متر و عرض ۸–٤ سانتی‌متر، دارای ۷–۳ رگه‌ی مشخص. دم گل‌آذین افراشته، به طول تا۲۰ سانتی‌متر، سنبله‌ی استوانه‌ای باریک به طول ۵۰–۷ و حداکثر ۷۰ سانتی‌متر، برگه‌های پایینی و کناری مشابه، تخم‌مرغی باریک، کاس‌برگ‌ها به طول ۲–۱/۵ میلی‌متر، کاس‌برگ‌های پیشین تخم‌مرغی باریک، کاس‌برگ‌های پسین تخم‌مرغی پهن، لوب‌های گل‌برگ تخم‌مرغی، نوک کند. کپسول تخم‌مرغی، به طول ۲/۵–۲ میلی‌متر، گوشه‌دار، دارای ۱۰–٦ و به‌ندرت ۳۰ دانه‌ی کوچک و سیاه رنگ. زمان گل‌دهی اواسط بهار تا اواخر تابستان است.

پراکنش در ایران و جهان:

این گیاه در سراسر شمال، مرکز و جنوب ایران رویش دارد. هم‌چنین در آمریکا، اروپا، ترکیه، افغانستان، پاکستان،

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

عراق و فلات فلسطین رشد می‌کند (۳).

بارهنگ سرنیزه‌ای (بارهنگ صغیر)

نام علمی: *Plantago lanceolata* L.، Syn.: *P. orientalis* Stapf.

تیره: Plantaginaceae

نام انگلیسی: Lesser plantain

مشخصات گیاه‌شناسی:

گیاهی چند ساله، به ارتفاع ۶۰-۳۰ سانتی‌متر، بدون ساقه‌ی مشخص، بدون کرک یا دارای کرک‌های پراکنده. دارای ریزوم کوتاه، بدون انشعاب یا با انشعابات کم. برگ‌ها طوقه‌ای، افراشته، دم‌برگ‌دار، نوک‌تیز یا بیضی باریک، از قاعده باریک شونده، در انتها نوک‌تیز، حاشیه‌ی صاف یا دارای دندانه‌های کوچک، با کرک‌های پراکنده یا بدون کرک به طول ۳۵-۱۰ سانتی‌متر و عرض ۵-۱ سانتی‌متر، دارای پنج رگ‌برگ مشخص، دم گل‌آذین افراشته با کرک‌های پراکنده‌ی سفید به طول ۶۰-۱۵ سانتی‌متر، سنبله‌ی استوانه‌ای مخروطی کوتاه یا تقریباً کروی-متراکم به طول ۳-۰/۵ سانتی‌متر و به‌ندرت تا ۸/۵ سانتی‌متر. برگه‌ی تخم‌مرغی پهن با حاشیه‌ی مواج. کاس‌برگ‌ها به طول ۴/۵-۲ میلی‌متر، کاس‌برگ‌های پیشین متصل به‌هم و دارای دو لوب و از دو قایق متصل به‌هم تشکیل شده، بدون کرک یا در حاشیه دارای کمی کرک پشم مانند. کاس‌برگ‌های پسین گرد-تخم‌مرغی، جدا از هم، قایقی، بدون کرک یا در حاشیه‌ی بالایی کمی کرک‌دار. لوب‌های گل‌برگ‌ها تخم‌مرغی یا تخم‌مرغی باریک به طول ۲/۵-۲ میلی‌متر، کپسول تخم‌مرغی به طول ۴/۵-۲/۲ میلی‌متر، دارای دو دانه‌ی قهوه‌ای روشن و بزرگ‌تر از بارهنگ کبیر. زمان گل‌دهی بهار تا اوایل تابستان است.

پراکنش در ایران و جهان:

این گیاه در شمال، غرب، مرکز، شرق، جنوب و جنوب شرقی ایران رویش دارد.

هم‌چنین در شمال آمریکا، اروپا، ترکیه، آسیای مرکزی، سیبری، افغانستان، پاکستان، عراق و شمال آفریقا رشد می‌کند (۳).

موارد مصرف امروزی بارهنگ:

کمیسیون E مصرف بخش‌های هوایی *P. major* و *P. lanceolata* را به‌صورت خوراکی جهت ترشحات دستگاه تنفسی و التهاب‌های دهان و حلق مورد تایید قرار داده است. همچنین مصرف آن‌ها به‌صورت موضعی در واکنش‌های التهابی پوست تایید شده است (۱۳-۱۲). از برگ گیاه اثرات ضد التهاب و تقویت‌کنندگی سیستم ایمنی در مطالعات درون‌تنی مشاهده شده است (۱۲). دانه‌های آن به‌عنوان جانشین اسفرزه مورد استفاده قرار می‌گیرد. خواص دیورتیک و ضد خونریزی نیز از آن گزارش شده است (۱۴).

بحث و نتیجه‌گیری:

در منابع معتبر سنّتی، اسامی مختلفی برای بارهنگ ذکر شده است که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نام‌های بارتنگ، چرغون، لسان‌الحمل، خِنک و خرگوشک اشاره نمود و این اسامی را می‌توان معادل گونه‌هایی از جنس *Plantago* قرار داد.

دو گونه‌ی مطرح از جنس *Plantago* در ایران، گونه‌های مورد نظر در این تحقیق بوده‌اند که شاخه‌ی گیاهان دارویی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور تبیین نام‌های گیاهان دارویی، نام‌های فارسی مناسب هریک را بررسی و نام بارهنگ سرنیزه‌ای (بارهنگ صغیر) را برای گونه‌ی *P. lanceolata* L. و نام بارهنگ کبیر را برای گونه‌ی *P. major* L. پیشنهاد می‌نماید.

پی‌نوشت:

[1] شاخه‌ی گیاهان دارویی از گروه طب اسلامی و طب سنّتی، از تاریخ ۱۳۸۴/۳/۱ در فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران به منظور تبیین نام‌های گیاهان دارویی ذکر شده در منابع طب سنّتی و یا متداول در بین مردم تشکیل شده است. از آن تاریخ در نشست‌های متعدد که با حضور استادان فن برگزار شده، ابتدا فهرستی از اسامی مختلف تهیه، و به ترتیب در مورد هر کدام

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]

بحث و تصمیم‌گیری شده است. مقاله‌ی حاضر، سوّمین دست‌آورد این جلسه‌ها و در مورد گیاه بارهنگ است. اعضای شاخه عبارتند از: سیّد احمد امامی، غلامرضا امین، عبّاس حاجی‌آخوندی، محبوبه خاتم‌ساز، مهناز خانوی، بهزاد ذوالفقاری، روجا رحیمی، ابوالقاسم سلطانی، محمدرضا شمس‌اردکانی، میثم شیرزاد، امید صادق‌پور، امیرمهدی طالب، علیرضا قنادی، مهرداد کریمی، منصور کشاورز، عبدالعلی محقق‌زاده، محمود مصدق، فریبرز معطّر، محمد باقر مینایی.

[۲] مرماحوز در مخزن‌الادویه، مرماخور در تذکره‌ی اولوالألباب داوود انطاکی.

[۳] زَغَب: کرک، مزغَّب کرک‌دار.

[٤] آن‌چه ساییده، بی‌مایعی بر عضو بمالند یا بپاشند.

[٥] همان جمره یا آتشک است که دارای دانه‌های بسیار سرخ مجتمع یا پراکنده است، که هریک بخش بزرگی از بدن را درگیر می‌کند.

[٦] بیماریی است که در عضو واقع و باعث ایجاد خورندگی در آن می‌شود.

[۷] بثوری صفراوی، تند و لطیف می‌باشد که مانند مورچه به بافت‌های اطراف سرایت می‌کند. اگر از صفرای بد حاصل شود، نمله‌ی ساعیه‌ی اکاله نام می‌گیرد که پوست بدن را می‌خورد و متقرح می‌سازد، در غیر این‌صورت اگر از صفرای رقیق باشد، نمله‌ی ساعیه نام دارد که تقرح ایجاد نمی‌کند، و اگر از صفرای غلیظ به‌دست آید، در زیر پوست محبوس می‌گردد و نمله‌ی جاورسیه نامیده می‌شود (۱۵).

[۸] دانه‌هایی است، بعضی کوچک و بعضی بزرگ، پهن، مایل به سرخی با خارش و کرب بسیار که دفعتاً ظاهر گشته، به سبب بخار دم صفراوی در تمام بدن و یا در اکثر اعضاء حاصل می‌شود و گاه با خارش بسیار می‌باشد و از آن رطوبت لزجی می‌آید. سبب آن ابخره‌ی بورقیه‌ی رطبه و فارسی آن دُلُم است.

منابع

۱. انطاکی، داودبن عمر: تذکرة اولی الالباب و الجامع للعجب العجاب. دارالکتب العلمیة، بیروت، ص:۲۷۳، ۱۹۷۱م.

۲. عقیلی خراسانی، محمدحسین: مخزن‌الادویة. نسخه‌ی چاپ کلکته ۱۸٤٤م. انتشارات باورداران، تهران، صص:۹-۷۸۸، ۱۳۸۰.

۳. جانی قربان، مهین: تیره‌ی بارهنگ (Plantaginaceae). انتشارات موسسه‌ی تحقیقات جنگل‌ها و مراتع، تهران، صص:۲۹-۲۸ و ۹-٦، ۱۳۷٤.

4. Blumenthal M, Goldberg A, Brinchmann J. *Herbal Medicine.* Austin: American Botanical council; 2000. p.307.

۵. هروی، محمدبن یوسف: بحرالجواهر. انتشارات جلال‌الدین، قم، ص:۳۳۰، ۱۳۸۷.

٦. ازدی، عبدالله‌بن محمّد: کتاب الماء. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طبّ اسلامی و مکمل، تهران، ص:۳۰۳، ۱۳۸۷.

۷. جرجانی، سیداسماعیل: اغراض‌الطبیة و المباحث العلائیة. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ص:۳۰٦، ۱۳۸٤.

۸. انصاری شیرازی، علی‌بن حسین: اختیارات بدیعی. شرکت دارویی پخش رازی، تهران، ص:۳۹٦، ۱۳۷۱.

۹. تنکابنی مازندرانی، محمدمؤمن: تحفة المؤمنین. نشر شهر، تهران، صص:۲-۳۸۱، ۱۳۸۹.

۱۰. چشتی، محمّد اعظم‌خان: اسماء الادویة. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طبّ اسلامی و مکمل نسخه‌ی خطّی، تهران، ص:۲۲۳، ۱۲۸۷ هـ‌ق.

۱۱. بیرونی، ابوریحان: الصیدنة فی الطب. ترجمه‌ی مظفرزاده، باقر. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص:۸۹۷، ۱۳۸۳.

12. E/S/C/O/P Monographs. 2nd ed. The European Scientific Cooperative on Phytotherapy in collaboration with Thieme: 2003.

13. Blumenthal M, Busseb WR. *The Complete German Commission E Monographs: Therapeutic Guide to Herbal Medicines.* Austin, : American Botanical Council 1999.

14. Sweetman SC. *Martindale the Extra Pharmacopoeia.* 34th ed. London: The Pharmaceutical Press; 2005.

۱۵. عقیلی خراسانی، محمّدحسین: قرابادین کبیر. موسسه‌ی مطالعات تاریخ پزشکی، طبّ اسلامی و مکمل، تهران، ص:٥٦، ۱۲۷٦ هـ‌ق.

[Downloaded from jiitm.ir on 2026-09-16]